

قتل ۲ شهروند جیرفتی
در سایه عصبانیت

توکلی - عامل قتل دو شهروند جیرفتی بعد از حدود شش سال در عملیات پلیس آگاهی دستگیر شد. به گزارش خبرنگار خراسان، فرمانده انتظامی شهرستان جیرفت گفت: در پی قتل دو نفر از شهروندان با شلیک سلاح گرم در تیرماه سال ۹۲ در یکی از محله‌های شهروفر قاتل از صحنه جنایت، بررسی موضوع در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. که سرانجام متهم فراری دستگیر شد و به قتل این دو شهروند به دلیل اختلاف خانوادگی و عصبانیت اعتراف کرد.

در جلسه علنی محاکمه عامل قتل کودک ۱۱ ساله مشهودی مطرح شد

مذاکره مرگبار «گرگ پیر» در باغ مخوف!



سجاد پور - همه ماجرا به خاطر یک «سگ» رخ داد. می‌خواستیم یک قلاده «سگ» برای نگهداری از باغ بخریم. تا این که «سگی» را در دست پسر ۱۱ ساله دیدم. برای خرید آن با کودک وارد مذاکره شدم اما آن سگ به دردمن نمی‌خورد، بعد از آن سگ دیگری برآیم آورد ولی باز هم سگ به دردیخوری نبود، تا این که سومین «سگ قلاده دار» را از او خریدم ولی... این‌ها بخشی از اظهارات مرد ۶۰ ساله معروف به «گرگ پیر» است که صبح روز گذشته در اولین جلسه محاکمه در دفاع از خود مطرح کرد. در این جلسه که در شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی و به ریاست قاضی جواد شاکری برگزار شد، ابتدا رئیس دادگاه با توصیه به حاضران برای رعایت نظم دادگاه، اتهامات متهم مبنی بر یک فقره قتل عمدی، آدم‌ربایی و اعمال منافی عفت را به وی تفهیم کرد و گفت: «دادگاه در دو بخش علنی و غیر علنی به اتهامات «-الف» رسیدگی خواهد کرد چرا که طبق قانون جلسه رسیدگی به اتهام عمل منافی عفت باید به صورت غیر علنی برگزار شود و از سوی دیگر نیز مردم باید در جریان اخبار جرایمی قرار بگیرند که موجب احساس ناامنی در جامعه می‌شود و نتیجه اقدامات قانونی دستگاه قضایی درباره این گونه جرایم مطلع شوند. در ادامه این جلسه رسیدگی که هیئت مستشاری دادگاه (قاضی خطیبی و قاضی قاسمی طوسی) نیز حضور داشتند، ابتدا معاون دادستان مرکز خراسان رضوی به قرائت کیفرخواست صادر شده از سوی دادسرای عمومی و انقلاب مشهد پرداخت و گفت:

این پرونده جنایی از تاریخ دوازدهم بهمن ۱۳۹۷ زمانی در دادسرا تشکیل شد که مردی از دستگاه قضایی و پلیس برای پیدا کردن فرزند گمشده‌اش کمک خواست. «نیر عابدین زاده» افزود: تحقیقات کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی که با صدور دستورات ویژه قضایی آغاز شده بود، سرخ‌های اجرایی گم شدن کودک ۱۱ ساله

را به سوی مرد ۶۰ ساله‌ای کشاند که به «گرگ پیر» معروف شد. «قاضی عابدین زاده» تصریح کرد: این مرد در تاریخ ۱۱/۲/۹۷ با دستور بازپرس علی اکبر احمدی نژاد (بازپرس ویژه قتل عمد مشهد) بازداشت شد و در نهایت به قتل مرتضی (کودک ۱۱ ساله) اعتراف کرد. وی گفت:



۱۱ ساله) اعتراف کرد. وی گفت: جسد این کودک میان دره‌ای در جاده قدیم نیشابور در حالی کشف شد که کمر بند مشکلی نیز دور گردنش وجود داشت و... نماینده دادستان مرکز خراسان رضوی در پایان ضمن اشاره به استشهاده ۱۸۰ نفری اهالی محل وقوع جرم از محضر دادگاه تقاضای صدور اشد مجازات در ملاعام را کرد. گزارش خراسان

حاکمی است، سپس مرد معروف به «گرگ پیر» با دستور قاضی شاکری (رئیس دادگاه) در جایگاه متهم قرار گرفت و در حالی که به صراحت بیان می‌کرد قتل را قبول دارم، مدعی شد من کمر بند آن کودک را از دور کمرش باز کردم و به گردن او پیچاندم ولی آن را نکشیدم! ضمن این که اتهام آدم‌ربایی را هم قبول ندارم چرا که کودک خودش سوار

می‌کرد که سر کودک ۱۱ ساله به بلو که سیمانی استرخ باغ خورده است چرا که من او را هل دادم و به درون استرخ خالی از آب افتاد اما به هوش نیامد! من او را به باغ بردم تا درباره «سگ» مذاکره کنیم! ولی هیچ سگی در باغ نبود! در این هنگام قاضی سوال کرد: اما شما گفتید سگی در باغ نبود! پس چه چیزی را می‌خواستید به کودک ۱۱ ساله نشان بدهید؟ متهم پاسخ داد: با این بهانه می‌خواستم او را به باغ بکشانم تا گوشمالی اش بدهم! او به من فحش داد من هم عصبانی شدم...

بنابر این گزارش، در این جلسه دادگاه که به کلاس آموزشی عملی و تئوری آموزنده‌ای برای دانشجویان تبدیل شده بود، وکیل تسخیری متهم سعی کرد تا قتل را به عنوان شبهه عمد برای دادگاه اثبات کند که در این باره به اخبار روزنامه خراسان نیز اشاره کرد و گفت: در روزنامه خراسان از همان ابتدای ماجرا موضوع قتل عمد مطرح شد! همچنین علیرضا روناد معتقد بود که او به عنوان وکیل تسخیری فقط باید در بخش اتهام قتل عمد از متهم دفاع کند که مورد پذیرش رئیس دادگاه قرار نگرفت. قاضی شاکری گفت: دادگاه به هیچ وجه تحت تاثیر فضای رسانه‌ای قرار نمی‌گیرد و بر اساس موازین شرعی و قانونی به پرونده رسیدگی می‌کند. گزارش خراسان حاکی است، متهم که برای آخرین دفاع در جایگاه قرار گرفته بود، بار دیگر به صراحت اتهام قتل را پذیرفت اما مدعی شد من کمر بند را دور گردن او انداختم ولی آن را نکشیدم!

شایان ذکر است، در آغاز جلسه رسیدگی به این پرونده، پس از تقاضای صدور اشد مجازات برای متهم از سوی اولیای دم، فرزانه واحد و امیر افخم الشعراء به عنوان وکلای معاضدت اولیای دم ضمن بیان برخی جزئیات پرونده، دفاعیات خود را به رئیس دادگاه ارائه دادند و در پایان نیز رسیدگی غیر علنی به اتهام عمل منافی عفت متهم برگزار شد.

در امتداد تاریکی

عشق هیجانی!

خانواده‌ها آغاز شد. البته رامتین نیز ۱۷ سال بیشتر نداشت و هر دو نفر ما گرفتار عشقی هیجانی شده بودیم تا آن جا که روزی رامتین گفت: برای آن که بایکدیگر از دواج کنیم چاره‌ای جز فرار نداریم چرا که به یقین خانواده‌های مان با این ازدواج و در این سن و سال مخالفت می‌کنند. من هم که دیوانه وار و با احساساتی کودکانه به عشقی خیابانی دل بسته بودم، کور کورانه حرف هایش را پذیرفتم و به بهانه ترس از مخالفت خانواده‌ها با این ازدواج نقشه رامتین را پذیرفتم. آن روز با قرار قبلی به منزل یکی از بستگان او در غرب کشور رفتیم. دور روز بعد پدرم که با گم شدن من پرونده‌ای در پلیس آگاهی تشکیل داده بود، به همراه نیروهای انتظامی به غرب کشور آمد و نیروهای پلیس در حالی ما را به مشهد منتقل کردند که پدرم برای جلوگیری از آبروریزی در دادگاه موافقت کرد تا من و رامتین باهم ازدواج کنیم. اگر چه ابتدا از این که به هدفم رسیده بودم در پوست خود نمی‌گنجیدم اما این خوشحالی چند ماه بیشتر طول نکشید چرا که هر چه زمان بیشتری می‌گذشت احساس می‌کردم او مردی نیست که بتوانم در زندگی به او تکیه کنم. مادر رامتین دیگر نمی‌گذاشت بدون چادر بیرون بروم چرا که معتقد بود حرکات و رفتارم موجب جلب نظر مردان غریبه می‌شود. برادر شوهرم آن قدر با بی احترامی و رفتار خشن در خیابان روسری ام را روی موهایم می‌کشید که احساس حقارت می‌کردم. آن ها عقیده داشتند همان طور که با این نوع پوشش و رفتارهای نامناسب خیابانی توجه رامتین را به خود جلب کرده ام با همین رفتارها باز هم باعث جلب توجه دیگران می‌شوم به طوری که این سوءظن‌ها به درگیری‌های شدید و اختلافات خانوادگی کشید. اکنون که یک سال از دواج مان می‌گذرد تازه می‌فهمم که زندگی یک عشق هیجانی نیست و حتی اگر به زندگی با رامتین هم باز گردم دیگر هیچ علاقه‌ای به او نخواهم داشت و...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی



بزرگترین موزه زنده ایران



فضای خاطره انگیز و خانوادگی
(با پارکینگ رایگان)

نماز جماعت، بوفه افطار ساده
جزء خوانی قرآن کریم

امکان رزرو اختصاصی
برای میهمانان افطار شما
(ظرفیت ۱۰۰ نفر)

تقاطع فدائیان اسلام و ۱۷ شهریور، محل سابق کارخانه نخریسی (ایستگاه متروی ۱۷ شهریور)



تاریخ را زنده کنید

تئاتر بینید

خرید کنید

سینما بروید

بازی کنید

سلفی بگیرید

غذای سنتی میل کنید



۰۵۱-۳۳۴۹۳۱۵۳



@iran_living_museum